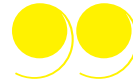


رژیم شاه سعی به جذب او کرد و تلویزیون ملی ایران به او و پنج نفر از وعاظ فعال و همسو با او از جمله شهید مطهری و شهید هاشمی نژاد پیشنهاد کرد که هر کدام به مدت پنج شب سخنرانی کنند. اما طبق سند ساواک آیت الله امامی کاشانی به محمود مرتضایی فر (همو که بعدها وزیر شعار نام گرفت) می گوید «قصد آنان ایجاد تفرقه بین جامعه روحانیت است



در کنار رهبر معظم انقلاب و آیات عظام عباس واعظ طبسی، محمدرضا مهدوی کنی، علی فلسفی، ابوالحسن شیرازی در حال صحبت با محمدنبی حبیبی



ایستاده از راست: محمد صالحی، حسین مهرپور، علی آراد، خسرو بیژنی، سیدجلال الدین مدنی، حسن فاخری، نشتسته از راست: آیات عظام: محمدی گیلانی، مومن، صافی گلپایگانی، خزعلی، جنتی و امامی کاشانی



موحدی کرمانی به نقد برخی فیلم‌ها پرداختند.

سخنرانی‌های تحقیقی او که با اشراف به ادبیات اندیشه‌ورزان غرب و شرق ایراد می‌شد، جوانان را به سوی او جذب می‌کرد. از این رو در سال ۱۳۵۱، هنگامی که آیت الله فلسفی ممنوع المنبر شده بود، رژیم شاه سعی به جذب او کرد و تلویزیون ملی ایران به او و پنج نفر از وعاظ فعال و همسو با او از جمله شهید مطهری و شهید هاشمی نژاد پیشنهاد کرد که هر کدام به مدت پنج شب سخنرانی کنند. اما طبق سند ساواک آیت الله امامی کاشانی به محمود مرتضایی فر (همو که بعدها وزیر شعار نام گرفت) می گوید «قصد آنان ایجاد تفرقه بین جامعه روحانیت است به خصوص که فلسفی واعظ در شرایط دیگری است.» حتی امامت مسجد سید عزیزالله را هم به همین دلیل نپذیرفت.

منابر او در مسجد چهارراه کوکاکولای تهران، از همان ایام شهرت یافت. گاهی ظهرها هم در مسجد جلیلی تهران که پیش نماز آن آیت الله مهدوی کنی و یکی از کانون‌های حضور جوانان مبارز بود، سخنرانی می‌کرد. همین امر سبب شد که در هنگامه پس از کشتار ۱۷ شهریور، مسجد او پناهگاهی برای در امان ماندن پیکر شهید باشد.

جامعه روحانیت مبارز

از سال ۱۳۴۹ که آیت الله محمد بهشتی از هامبورگ به ایران آمد، آیت الله امامی کاشانی، همراه ایشان و آیت الله مهدوی کنی و آیت الله عبدالکریم موسوی اردبیلی، یک هسته مبارزه در تهران تشکیل دادند. فعالیت آنها تحت عنوان «جامعه روحانیت تهران» از سال ۱۳۵۳ رنگ بیشتری گرفت و در اوایل سال ۱۳۵۶، تشکیلات جدید و با هدف رهبری نهضت در تهران و شهرستان‌ها تحت عنوان «جامعه روحانیت مبارز تهران» با توسعه جمع قبلی سامان یافت. در اولین جلسه شماری از مشاهیر روحانیت مبارز مانند حضرات آیات شهید دکتر بهشتی، شهید استاد مطهری، موسوی اردبیلی، انواری (که به تازگی از زندان ۱۲ ساله خلاص شده

تثبیت جناح انقلاب و ناگزیری بنی صدر از پذیرش رجایی شد. بار دیگر او هنگامی که شاهد مواضع نامناسب امثال بازرگان، صباغیان و یزدی در مجلس بود، آنها را به همراه برخی نمایندگان انقلابی به منزل خویش دعوت کرد تا با گفت‌وگو، راه تفاهم باز شود. هرچند پس از یک بحث طولانی، اختلاف مبانی آنها با امام بیش از پیش برای آنها روشن شد و گزارشی به همفکران خود تحویل دادند.

با این حال که اصلاح روابط در دستور کارش بود، او هرگز از مواضع اصولی عقب نمی‌نشست. به عنوان نمونه در هنگام بیان چرایی مخالفتش با شورای شدن رهبری، خاطره جالبی را بیان می‌کند. «یکی از نقاط ضعف شورای عالی قضایی مربوط به عزل بنی صدر می‌شد. در قانون اساسی داشتیم که رئیس جمهور را شورای عالی قضایی و مجلس شورای اسلامی می‌تواند برکنار کند. من در این باره با آقای موسوی اردبیلی صحبت کردم. ایشان به من گفت که به شورای عالی قضایی امیدی نداشته باشید. شما بروید از طریق مجلس اقدام کنید. اختلاف نظر در شورای عالی قضایی زیاد است. من هم بعد رفته در مجلس صحبت کردم.»

یا در هنگام برگزاری انتخابات مجلس دوم در فروردین ۱۳۶۳، وقتی هفت نفر از وزرا در بیانیه رسمی و منتشر شده در دوروزنامه اصلی آن وقت، از یک فهرست انتخاباتی حمایت کردند، صدای اعتراض او به رسانه‌ها رسید که آن را نوعی دخالت قوه مجریه در فرایند انتخابات و جانبداری آنان از گروهی خاص قلمداد کرد.

این روحیه، منحصر به آن ایام نبود. او در عین تلاش برای کاهش تنش‌ها، در هنگام ضرورت مواضع تند می‌گرفت. از جمله ۲۷ آذر ۱۳۸۸، جمعه‌ای که اول محرم نیز بود درباره شعارهای انحرافی جریان فتنه در

اسلامی ورود پیدامی کرد، از آن جمله مباحث وی درباره انتصابی یا انکشافی بودن ولی فقیه بود. وی در مجلس اول شورای اسلامی به عنوان نماینده مردم کاشان انتخاب شد و سپس به ریاست دیوان عدالت اداری منصوب شد. مدتی بعد، به عضویت شورای نگهبان درآمد و تا سال ۱۳۷۸ در آن سمت بود.

او از نوزدهم آذر سال ۱۳۶۱، اولین مجلس خبرگان رهبری تا مجلس پنجم که این روزها، واپسین ایام خدمتش را سپری می‌کند، نمایندگی مردم استان تهران را بر عهده داشت. آیت الله امامی کاشانی برای انتخابات اخیر نیز قصد مشارکت داشت که به دلیل تشدید کسالت، منصرف شد. امری که برخی اصلاح طلبان سعی به سوءاستفاده از آن داشتند تا چنان القا کنند که بیماری واقعی نیست و او در اعتراض ثبت نام نکرده است! یکی از ویژگی‌های شخصیت وی، وجاهت او بود که موجب رفع تنش‌ها می‌شد. توجه او به پرهیز از تندی در کلام و بدگویی حتی از مخالفانش موجب افزایش اثر کلام او شده بود.

مثلاً در هنگامه اختلاف مجلس اول با بنی صدر در انتخاب نخست وزیر، از جمله نمایندگانی بود که بنی صدر پذیرفت به نمایندگی از مجلس عضو هیأت تفاهم باشد. حضور او موجب

بود، موحدی کرمانی، شهید شاه آبادی، شهید محلاتی، ناطق نوری... حاضر شدند و صدور بیانیه‌ها افزایش یافت. هنگامی که روزنامه اطلاعات در ۱۷ دی ۱۳۵۶ به روحانیت و امام خمینی توهین کرد؛ آیت الله امامی کاشانی در کنار این جمع جرعه اقداماتی را زدند که با پیروزی انقلاب اسلامی، به خوبی نتیجه گرفت.

اما در میانه این مبارزات، او از مصاف اندیشه غافل نماند. مرحوم دوانی از جلسه‌ای یاد می‌کند که در سال ۱۳۵۷ در منزل آیت الله امامی کاشانی با حضور برخی از علما همچون حجج اسلام فلسفی، مطهری، بهشتی، مهدوی کنی، انواری و مفتاح، برای ارزیابی نظرات حبیب الله آشوری - که کتاب توحیدش بخشی از اندیشه گروه فرقان را شکل داد- برگزار شد. آیت الله امامی کاشانی در این جلسه، انحرافات تفسیری آشوری درباره آیات مرتبط با معاد و قیامت را شرح داد.

وجه اما انقلابی

درست یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ۲۹ بهمن ۱۳۵۷ از سوی امام خمینی به تولیت مدرسه عالی شهید مطهری منصوب شد. او در مجلس خبرگان قانون اساسی حاضر بود و به بررسی اصول پیشنهادی برای قانون اساسی با مبانی اندیشه



خطبه‌هایش هشدار داد، هشدار می‌دهد که اگر شنیده می‌شد کار به توهین روزعاشورا بخشی از جریان سبزی نمی‌کشید.

مهمترین دغدغه

آیت الله امامی کاشانی بعد از انقلاب اسلامی مسئولیت‌های متعددی را بر دوش کشید. از نماینده ولی فقیه در شهر بانی تا عضویت مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ با این حال، شاید بتوان گفت اصلی‌ترین دستاورد او برای انقلاب اسلامی به کادرسازی بوده است. اقداماتی همچون نقش او در تأسیس انجمن اسلامی دانش‌آموزان، مسئولیت در سازمان تبلیغات اسلامی و یا حضور بیش از ۳۰۰ نوبت در تریبون نماز جمعه و بیان نکات اندیشه‌ای و رفع شبهات در خطبه‌هایش، او را نسبت به وظیفه تربیت اقتضاع نکرد. ۴۵ سال، از حکم امام در میانه غبار فرونشسته انقلاب تا آخرین توانش در ایام اخیر، خود بر فراز مجموعه آموزشی شهید مطهری حاضر ماند و فارغ التحصیلانی را تحویل جامعه داد، که بسیاری از آنها در سنگرهای مختلف با تداوم طنین تذکرات او در گوششان، به ایفای مسئولیت می‌پردازند.



آیت الله امامی کاشانی برای انتخابات اخیر نیز قصد مشارکت داشت که به دلیل تشدید کسالت، منصرف شد. امری که برخی اصلاح طلبان سعی به سوءاستفاده از آن داشتند تا چنان القا کنند که بیماری واقعی نیست و او در اعتراض ثبت نام نکرده است!

